

نویسنده: ویلیام لیوگراند (William Leo Grande)

منبع و تاریخ نشر: ریسپونسیبل ستیت گرفت «2024-05-29»

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل»

**چگونه انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده
سیاست شکست خورده کوبا را بوجود آورده است**

**How US presidential elections have produced
failed Cuba policy**

سوابق نشان می دهد که منافع ملی، نه ثروت سیاسی، روابط
واشنگتن با هاوانا را باید راهنمایی نماید .

**The record shows that national interests, not political
fortunes, should guide Washington's relations with Havana**



جو بایدن در کمپین انتخابات ریاست جمهوری 2020 وعده داد که سیاست **باراک اوباما** برای عادی سازی روابط با کوبا را « تا حد زیادی» از سر بگیرد. اما دموکرات ها در فلوریدا شکست بزرگی خوردند، تا حدی به این دلیل که رای دهندگان آمریکایی کوبایی یک چرخش شدید به راست انجام دادند. این شکست باعث شد کاخ سفید با وجود بحران انسانی فزاینده، کاخ سفید را نسبت به لغو تحریم های اقتصادی سخت گیرانه ای که **دونالد ترامپ** علیه جزیره اعمال کرده بود، بی میل کند.

به عنوان سیاست خارجی، نتایج معکوس بوده است. تحریم‌های **ترامپ** و **بایدن** با ورود نزدیک به (500) هزار کوبایی در دو سال گذشته به ایالات متحده، بزرگترین بحران مهاجرت از سال «1959» را تسریع کرده است. تحریم‌ها خشم متحدان آمریکایی لاتین و اروپایی را برانگیخته است، کوبا را به رقبای جهانی آمریکا، روسیه و چین نزدیک تر کرده است و هیچ کاری برای بهبود حقوق بشر یا چشم انداز گشایش دموکراتیک انجام نداده است. این پیامدهای تبدیل شدن سیاست خارجی به یک فوتبال سیاسی داخلی است.

شانزده انتخابات و شمارش آرا

همانطور که در خلاصه جدیدی برای موسسه کوئینسی توچیچ دادم، چند کشور به اندازه کوبا در طول سال‌های گذشته در انتخابات ایالات متحده برجسته بوده‌اند. از اولین مبارزات انتخاباتی پس از پیروزی انقلاب در سال 1959 تا رقابت‌های 2020، نامزدها این موضوع را یا برای انتقاد از رقیب خود به دلیل نرمش در سیاست خارجی یا برای جلب نظر رای دهندگان آمریکایی کوبایی در ایالت فلوریدا مطرح کرده‌اند. در سال‌های انتخابات، روسای جمهور مستقر اغلب تحریم‌ها را تشدید کرده‌اند یا از تعامل دیپلماتیک برای تقویت چشم انداز انتخاباتی حزب خود عقب نشینی کرده‌اند:

- در سال 1960، دوايت دی. آیزنهاور اولین تحریم‌های تجاری را علیه کوبا اعمال کرد که توسط ریچارد نیکسون درخواست شد.
- در سال 1964، لیندون جانسون گفتگوی اولیه جان اف کندی با هاوانا را رها کرد و با موفقیت سازمان کشورهای آمریکایی را برای اتخاذ تحریم‌های اجباری تحت فشار قرار داد.
- در سال 1976، جerald فورد مذاکرات عادی سازی هنری کیسینجر را هنگامی که رونالد ریگان به عنوان مامشات به مذاکرات حمله کرد، متوقف کرد.
- در سال 1980، زمانی که زیگنیو برژینسکی او را متقاعد کرد که او را نرم به نظر می‌رساند، جیمی کارتر از عادی سازی دور شد.
- در سال 1992، جورج اچ دبلیو بوش قانون دموکراسی کوبا را پس از تایید بیل کلینتون امضا کرد.
- در سال 1996، کلینتون به اصرار مشاوران سیاسی کاخ سفید، قانون آزادی و همبستگی دموکراتیک کوبا (هلمز-برتون) را امضا کرد.
- در سال 2004، جرج دبلیو بوش محدودیت‌هایی را بر سفر و حواله‌های خانوادگی اعمال کرد تا انتقاد تندروهای آمریکایی کوبایی را خنثی کند.
- در سال 2020، دونالد ترامپ به امید بسیج همان حوزه انتخابیه آمریکایی کوبایی، همین کار را کرد.

در مبارزات انتخاباتی از دهه 1960 تا 1980، کوبا به عنوان نماینده اتحاد جماهیر شوروی در نظر گرفته شد و سیاست سخت در قبال کوبا به طور کلی به عنوان مشخصه یک سیاست خارجی قوی تلقی می شد. هیچ سیاستمدار ملی نمی خواست به عنوان "نرم نسبت به کوبا" شناخته شود. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد با ظهور آمریکایی های کوبایی به عنوان یک بلوک رای دهی مهم مصادف شد و نحوه ایالات متحده را تغییر داد.

نامزدهای ریاست جمهوری به این موضوع پرداختند. به جای تمرکز بر کوبا به عنوان یک موضوع امنیت ملی، نامزدهای دهه 1990 به بعد به رای دهندگان آمریکایی کوبایی در مورد مسائل دموکراسی و حقوق بشر متوسل شدند.

قبل از سال 1992، دموکرات ها فلوریدا را کاملاً جمهوری خواه می دانستند، اما **بیل کلینتون** با توسل به آمریکایی های کوبایی با سیاست های سخت تر از جرج اچ. دبلیو بوش، در آنجا به رقابت پرداخت. اگرچه کلینتون در سال 1992 فلوریدا را حمل نکرد، اما در سال 1996 این کار را انجام داد و فلوریدا را به عنوان ایالت میدان جنگ معرفی کرد. از دست دادن اندک ال گور در سال 2000 پس از اینکه وزارت دادگستری کلینتون، **الیان گونزالز** شش ساله را به پدرش در کوبا بازگرداند، دموکرات ها را متقاعد کرد که کوبا سومین ریل سیاست فلوریدا است.

اوباما در سال 2008 با توسل به آمریکایی های کوبایی میانه رو با سیاست تعامل، این خرد متعارف را شکست. در کمال تعجب بسیاری، او نیمی از آرای آمریکایی های کوبایی را در سال 2012 به دست آورد و زمینه را برای تصمیم دراماتیک خود برای عادی سازی روابط با هاوانا در سال 2014 فراهم کرد. سپس ترامپ، در تلاشی برای بسیج محافظه کاران آمریکایی کوبایی، ساعت را به عقب برگرداند و بسیاری از آنها را خنثی کرد. از آنچه اوباما به دست آورده بود. تغییر به سمت راست در افکار آمریکایی کوبایی در پاسخ به رهبری ترامپ و موج جدیدی از مهاجران ناراضی، سیاست را در جنوب فلوریدا بازسازی کرد و بار دیگر باعث ترس دموکرات ها از فلوریدا شد.

بایدن با یک سیاست ترکیبی عجیب و غریب پاسخ داد، برخی از تحریم های **ترامپ** را کاهش داد، اما بیشتر آنها را در جای خود باقی گذاشت - یک سازش غیرممکن بین سیاست همزیستی اوباما و سیاست تغییر رژیم ترامپ. کلیدواژه دولت این بوده است که "در برابر رژیم سخت بگیرد" و در عین حال "از مردم کوبا حمایت کند" - به گونه ای که گویی امکان ورشکستگی دولت بدون تحقیر مردم وجود دارد

چشم انداز انتخاباتی

بیشتر نقشه انتخاباتی ایالات متحده از پیش تعیین شده است. در سال 2020، تنها هشت ایالت وجود داشت که در آن ها حاشیه پیروزی برنده کمتر از 5 درصد بود که در مجموع

123 رای الکترونیکی را به خود اختصاص داد. جدای از این ایالت های میدان نبرد، دموکرات ها رقابت را آغاز می کنند که احتمالاً 226 رای از 270 رای الکترونیکی مورد نیاز برای اکثریت را به دست می آورند. جمهوری خواهان با 187 شروع می کنند. برای پیروزی در انتخابات، جمهوری خواهان باید بیش از دو سوم آرای الکترونیکی را در میدان های جنگ به دست آورند. اهمیت فلوریدا با وسعت آن بیشتر می شود. اگر جمهوری خواهان 29 رای الکترونیکی را از دست بدهند، فقط می توانند یک ایالت نوسان کوچک دیگر را از دست بدهند.

به همین دلیل است که جمهوری خواهان فلوریدا را ایالتی می دانند که باید برنده شود و دموکرات ها به رقابت با آن، علیرغم چشم اندازهای بدشان در آنجا، ادامه می دهند. از قضا، علی رغم شدت تمرکز هر دو طرف بر روی ایالت در 30 سال گذشته، فلوریدا به ندرت در تعیین اینکه چه کسی برنده کاخ سفید می شود تعیین کننده بوده است. از سال 1960، آرای الکترونیکی فلوریدا تنها دو بار تفاوت ایجاد کرده است - در سال 2000 (مسابقه بدنام بوش در برابر گور)، و 2004. علاوه بر این، آمریکایی های کوبایی به ندرت نتیجه را در فلوریدا تعیین کرده اند. قبل از سال 1992، تعداد رای دهندگان آمریکایی کوبایی به قدری کم بود که حاشیه های پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری اغلب بیشتر از کل رای دهندگان آمریکایی کوبایی بود. از آن زمان، انتخابات فلوریدا به اندازه ای نزدیک بود که آمریکایی های کوبایی می توانستند ادعا کنند که تنها در سه رقابت، حاشیه تعیین کننده را فراهم کرده اند: 1992، 2000، و 2012. به طور خلاصه، در 16 انتخابات ایالات متحده از زمان ورود **فیدل کاسترو** به هاوانا در سال 1959، وجود داشته است. تنها یک مورد بود که آرای آمریکایی کوبایی فلوریدا را تعیین کرد و فلوریدا ریاست جمهوری را تعیین کرد: 2000.

منافع ملی

سیاست کوبا که در خدمت منافع ملی ایالات متحده باشد تا منافع محدود آمریکایی های محافظه کار کوبایی در **میا می**، یا ثروت سیاسی روسای جمهور احتمالی، با اذعان به اینکه سیاست خصومت کوبایی را سرنگون نمی کند آغاز می شود. دولت - چیزی که پس از 65 سال تلاش بیهوده باید آشکار شود. یک رویکرد واقع گرایی می تواند منافع مشترک را شناسایی کرده و بر اساس آن، حوزه های اختلاف نظر مانند حقوق بشر را مدیریت کند. در زمینه امنیت ملی، ایالات متحده و کوبا در مبارزه با جرایم فراملی - مواد مخدر، قاچاق انسان و تروریسم - و همچنین در مورد طیف گسترده ای از موضوعات دیگر - مشکلات فراملی که همسایگان نزدیک باید با یکدیگر مقابله کنند، منافع مشترک دارند. مانند حفاظت از محیط زیست، اثرات تغییرات آب و هوا و سلامت عمومی. سرانجام، ایالات متحده و کوبا پیوندهای فرهنگی عمیقی دارند که با گسترش دیا سپورای آمریکایی کوبایی عمیق تر شده است.

در سال 2024، سیاستی مانند این پل بسیار دور به نظر می‌رسد، اما در طول دو سال آخر ریاست جمهوری اوباما، ایالات متحده اولین گام‌ها را در این مسیر برداشت. پیشرفتی که فقط در 24 ماه به دست آمد، قابل توجه بود، البته بدون عقب‌نشینی. **بن رودز**، که تیم مذاکره‌کننده ایالات متحده را رهبری می‌کرد، در پاسخ به این سوال که چه چیزی باعث شد تا پس از چندین دهه خصومت، جدایی چشمگیر **اوباما** از گذشته امکان پذیر شود، به طرز شگفت‌انگیزی پاسخ ساده‌ای داد: رهبری و اراده سیاسی. او گفت که عادی سازی روابط با کوبا اتفاق افتاد زیرا این چیزی بود که رئیس‌جمهور مصمم به انجام آن بود.

سطری چند در مورد نویسنده این مقاله :

ویلیام ام. لئوگراند، استاد ویا پروفیسور دولتی و رئیس سابق فاکولته‌ای روابط عمومی پوهنتون آمریکایی است. او متخصص آمریکای لاتین است.

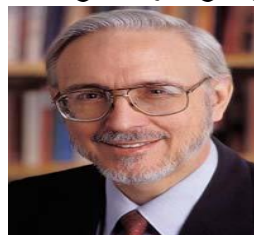
زندگینامه

رئیس دانشکده روابط عمومی دانشگاه آمریکا و متخصص در سیاست آمریکای لاتین و سیاست خارجی ایالات متحده در قبال آمریکای لاتین، لئوگراند مشاور مکرر آژانس‌های دولتی و بخش خصوصی بوده است.

او پنج کتاب نوشته است که آخرین آنها حیاط خلوت ما است: ایالات متحده در آمریکای مرکزی، 1977 - 1992. پیش از این، او در کارکنان کمیته سیاست دموکراتیک سنای ایالات متحده و گروه ویژه حزب دموکرات خدمت کرده است. در مورد آمریکای مرکزی مجلس نمایندگان ایالات متحده.

LeoGrande عضو شورای روابط خارجی در امور بین‌الملل و عضو هیئت علمی Pew در امور بین‌الملل بوده است. مقالات او در فارین افرز، فارین پالیسی، بررسی علوم سیاسی آمریکا، بررسی تحقیقات آمریکای لاتین، نیو ریپابلیک، نیویورک تایمز، لس آنجلس تایمز، میامی هرالد و سایر مجلات و روزنامه‌ها منتشر شده است.

لئوگراند از سال 1997 تا 1999 ریاست دانشکده روابط عمومی را بر عهده داشت و پس از آن سمت ریاست را بر عهده گرفت که در سال 2011 این سمت را ترک کرد.



..... با تقدیم احترامات «2024-05-30»